

روایتی از سپهبد علی صیاد شیرازی در گفتگو با دکتر محسن رضایی

## مهم‌ترین ویژگی صیاد، ارتباط دائمی با خدا بود

۹ دی ۱۳۹۴ ساعت ۵۱:۰۰

شاید برای گفتن از امیر شهید، سپهبد علی صیاد شیرازی، دکتر محسن رضایی یکی از بهترینها باشد. چه اینکه همگان در دوران خطیر دفاع مقدس، همگامی این دو و برکات آن را به یاد می‌آورند. آنچه محسن رضایی از خاطرات خویش از آن شهید در این گفت‌وگو بیان داشته، اندکی از هزار است که امید می‌بریم در آینده تمامی آنان را عرضه دارد...

### جوان و تاریخ

□ جناب‌عالی با امیر شهید، سپهبد علی صیاد شیرازی ارتباط و صمیمیتی دیرین داشتید. از چه مقطعی و چگونه با ایشان آشنا شدید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. آشنایی بنده با ایشان، به روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد. انقلاب تازه پیروز شده بود و ما و دوستانمان که نگران حوادث پس از انقلاب بودیم، در اسفند سال ۵۷ تصمیم گرفتیم نیروهای متعهد، متدین و وفادار به انقلاب را در ارتش پیدا و با آنها ارتباط برقرار کنیم. در فهرستی که از اصفهان برای ما فرستاده شد، نام شهید صیاد شیرازی به عنوان یک افسر ارزشی و متدین آمده بود.

چند ماه پس از پیروزی انقلاب و روی کار آمدن دولت موقت، مسئله دموکراتها در سنندج و مهاباد پیش آمد. در آن مقطع، بنی‌صدر نقش مهمی در نیروهای مسلح داشت و در واقع فرماندهان مناطق مختلف را او تعیین می‌کرد. هدف ما این بود که در کردستان، ارتش و سپاه با کمک هم، عملیات انجام بدهند تا بتوانند مشکلات منطقه را حل کنند. باید از ارتش کسی به آنجا فرستاده می‌شد که روحیه پاسدارها و بچه‌های بسیج را می‌شناخت و می‌توانست با آنها هماهنگ شود. دوستان ما در سپاه برای این کار شهید صیاد شیرازی را مناسب می‌دانستند و ایشان را به ما معرفی کردند.

□ مگر ایشان ارتشی نبود؟ چطور در سپاه خدمت می کرد؟

بعد از برخوردی که بین بنی صدر و اطرافیان او با شهید صیاد پیش آمد، ایشان به اداره عملیات سپاه آمد و دو ماهی بود که داشت در آنجا فعالیت می کرد. اولین بار هم بنده، ایشان را در همین زمان ملاقات کردم.

□ خاطره این اولین ملاقات را بیان بفرمایید؟

بله، بعضی از دوستان گفتند در اداره عملیات سپاه یکی از برادران حزب اللهی ارتش مشغول کار است و بد نیست با ایشان ملاقات کنید. قرار بود ایشان فرمانده منطقه شمال غرب کشور شود که بنی صدر مخالفت کرده بود. رفتم و دیدم روی کالک عملیاتی نشسته است و دارد منطقه کردستان را با ماژیک مشخص می کند. بنی صدر به روحانیون قم نامه نوشته و شکایت کرده بود که می خواهند افسر جوانی را به من تحمیل کنند! به هر حال با ایستادگی نیروهای انقلابی، بالأخره بنی صدر قانع شد شهید صیاد شیرازی را به سمت فرماندهی منطقه شمال غرب منصوب کند. از آن به بعد هماهنگی و همکاری ایشان با سپاه و بچه های بسیج بسیار نزدیک شد.

□ پس از عزل بنی صدر سیر این همکاریها چگونه بود؟ این تعاملات چگونه نزدیکتر شدند؟

با عزل آقای بنی صدر از فرماندهی کل قوا، امام شخصاً این مسئولیت را به عهده گرفتند و در شهریور سال ۶۰ بنده را به عنوان فرمانده سپاه منصوب کردند. یکی دو ماه بعد عملیات ثامن الائمه با پیروزی انجام شد و در این موقع بود که شهید صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش شد و در اهواز با یکدیگر ملاقات کردیم. از آن به بعد با هماهنگی کامل، عملیتهای کربلای ۱ تا کربلای ۱۴ را برنامه ریزی و آن را در شورای عالی دفاع که مرجع تصمیم گیرنده برای جنگ بود، مطرح کردیم. دوستان در شورای عالی نمی توانستند باور کنند طرحهای آزادسازی بستان، دزفول، اهواز، شوش و خرمشهر را دو جوان ارائه کرده باشند! بیش از یک سال از جنگ می گذشت و هیچ عملیات موفقی غیر از عملیات ثامن الائمه صورت نگرفته بود. برادران ما در شورای عالی دفاع از دیدن این طرحها بسیار خوشحال شدند و اعلام کردند با اجرای آنها موافق هستند، هر چند شک و تردید را در چهره خیلی از آنها می دیدم.

من و شهید صیاد قرارگاه مشترکی را راه اندازی کردیم، چون ارتش و سپاه زیر بار این قضیه نمی رفتند که زیر نظر همدیگر کار کنند و این موضوع به مشکل بدی تبدیل شده بود. هیچ یک از مسئولین کشور هم راهی برای حل این مشکل که در دوره

بنی صدر بدتر هم شده بود، پیدا نمی کردند.

□ نحوه کار این قرارگاه مشترک چگونه بود؟

بنده به عنوان فرمانده سپاه و شهید صیاد شیرازی به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش، طرح مشترکی را ارائه کردیم. بر اساس این طرح، هر قرارگاهی دو فرمانده داشت و طرحهای عملیاتی باید به امضای هر دو فرمانده می رسید. این مدل در جنگهای دنیا جدید بود و خیلیها شک داشتند بشود جنگی را با دو فرماندهی اداره کرد!

□ کدام عملیاتها با این الگو اداره شدند؟

اولین عملیات، عملیات کربلای ۱ بود که طی آن بستان آزاد شد. برخی معتقد بودند در عملیاتی بعدی با این شیوه فرماندهی شکست خواهیم خورد، اما این گونه نشد و عملیاتی فتحالمبین و بیت المقدس که منجر به آزادی خرمشهر شد، نشان داد اتحاد بین سپاه و ارتش رمز پیروزی ماست.

□ نقش شهید صیاد شیرازی را در این اتحاد چقدر می دانید؟

شهید صیاد شیرازی به دلیل برخورداری از روحیه بالای انقلابی، توانست خیلی خوب خود را با نیروهای انقلابی سپاه تطبیق بدهد. ایشان به دلیل درک بالا و درست از ارتش و آمادگیهای کلاسیک نظامی، توانست به عنوان یک فرمانده کارآمد تکیه گاه محکمی در وحدت نیروهای مسلح باشد. نیروهای مسلح در سایه این وحدت توانستند دوران دشواری را سپری کنند. گاهی یک ماه تمام، شبانه روز با هم کار می کردیم. گاهی ایشان چندین ساعت بیدار می ماند و من استراحت می کردم و گاه برعکس. ایشان بی وقفه و شبانه روز کار می کرد و لحظه ای آرام و قرار نداشت.

□ نقش شهید صیاد شیرازی را در ایجاد تحول در ارتش چقدر می دانید؟

پس از پیروزی انقلاب ، بسیاری از امرای ارتش شاهنشاهی به خارج رفتند و عملاً عرصه مدیریت و فرماندهی ارتش خالی شد. افسران جوانی چون شهید صیاد شیرازی بودند که زمام ارتش را در دست گرفتند و تلاش کردند ارتش شاهنشاهی را به ارتشی اسلامی تبدیل کنند. افرادی چون شهدای گرانمایه کلاهدوز، بابایی، نامجو و... و نیز افرادی که اکنون در ارتش مشغول خدمت هستند، بسیار در این تغییر و تحول نقش داشتند. البته نقش شهید صیاد فوق العاده بارز و برجسته بود.

□ در عملیاتهای موفق چون بیت المقدس و آزادی خرمشهر نقش ایشان را چقدر مؤثر می دانید؟

فوق العاده زیاد. ایشان در مراحل اجرای عملیات، به خصوص مراحل آخر تصمیم گیریهای فوق العاده مؤثری داشتند.

□ نحوه کار شما در این عملیات چگونه بود؟

برادران ارتشی و سپاهی طرحهایشان را ارائه دادند و از آنها دفاع کردند. بعد من و شهید صیاد شیرازی نشستیم و تصمیم واحدی گرفتیم و همان را اجرا کردیم.

□ مشکلی پیش نیامد؟

چرا در اجرای طرحها با مشکلات زیادی روبه رو بودیم، اما چون با هم اختلاف نظر نداشتیم، کار در هیچ مرحله ای متوقف نشد. بالأخره در بعد از ظهر دوم خرداد فرماندهان ارتش و سپاه دور هم جمع شدند و بحثهای زیادی مطرح شد، اما هر دو طوری عمل کردیم که همه احساس کردند ما یک تن واحد هستیم. به این ترتیب توانستیم خرمشهر را آزاد کنیم.

□ از خاطره حضور همزمان در محضر امام هم برایمان بگویید؟ ظاهراً ایشان در یکی از این دیدارها ، به شما مطالب مهمی گفته بودند؟

بله، بعد از عملیات رمضان و تحمل دشواریهای فراوانی خدمت حضرت امام رفتیم و گزارش کار دادیم. ایشان دست من و شهید صیاد را گرفتند و در دست هم قرار دادند و فرمودند: یک تن واحد باشید. این خاطره در ذهن هر دوی ما بود و هر وقت به هم می‌رسیدیم یاد آن لحظه می‌افتادیم. امام فرمودند: شما پیروزید، از شکست نترسید. این قوت قلبی که امام به هر دوی ما دادند در کسب پیروزیهای بعدی فوق‌العاده مؤثر بود.

□ ویژگیهای بارز و برجسته فردی و شخصیتی شهید صیاد شیرازی از نظر شما کدامند؟ ایشان را بیشتر با چه خصلتی به یاد می‌آورید؟

مهم‌ترین ویژگی ایشان، ارتباط دائمی با خدا بود. همیشه در حال ذکر گفتن و عبادت بود و تا آخر عمر هم لحظه‌ای ارتباط او با خدا قطع نشد.

ویژگی دیگر ایشان، تواضع و مردمی بودنشان بود. نظامیها خلق و خوی خاصی پیدا می‌کنند که مردم عادی خیلی راحت با آنها صمیمی نمی‌شوند، اما ایشان این‌طور نبود و می‌توانست خیلی خوب با مردم ارتباط برقرار کند. بسیار خوشرو بود و اقشار مختلف مردم با ایشان راحت بودند.

سومین ویژگی ایشان شجاعت بی‌نظیرش بود. هیچ وقت در وجود آن بزرگوار ترس ندیدم. فوق‌العاده بی‌باک بود و همواره در خط مقدم جبهه حضور داشت. چهارمین ویژگی شهید بزرگوار تخصص بسیار بالای نظامی بود. ایشان در امور نظامی، به‌خصوص رسته توپخانه کم‌نظیر و در واقع استاد بود. قطعاً یک فرمانده باارزش و یک سرباز شجاع و کارآمد را با شهادت ایشان از دست دادیم.

ایشان در طی سالهای پس از پیروزی انقلاب نیروهای ارزشمندی را تربیت کرد و به همه ما درس استقامت و پایداری داد. ایشان همواره با تجزیه‌طلبها، ضد انقلاب و منافقین در حال مبارزه و یکی از دشمنان شناخته شده آنها بود. آنها بارها تلاش کردند ایشان را ترور کنند که موفق نشدند، اما همواره مترصد فرصت بودند و سرانجام هم از روحیه مردمی بودن ایشان که هیچ وقت بین خود و مردم حائلی قائل نمی‌شد، استفاده و ایشان را به شکلی ناجوانمردانه ترور کردند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۹۱۹/خدا-دائمی-ارتباط-صیاد-ویژگی-ترین-مهم>